

مقررات داوری در بخش تعاون

مقدمه

فصل اول: کلیات

مبحث اول: منابع داوری در بخش تعاون

قسمت اول: قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰

قسمت دوم: قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۰

بند اول اتحادیه‌های تعاونی

بند دوم: اتاق تعاون

قسمت سوم: قانون آئین‌نامه دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری بین‌المللی

مبحث دوم: تعریف داوری در بخش تعاون و تعیین جایگاه آن در حقوق ایران

قسمت اول: داوری اختیاری، داوری اجباری

قسمت دوم: داوری موردی و داوری سازمانی

مبحث سوم: موافقتنامه داوری

مبحث چهارم: مرجع داوری

فصل دوم: روند رسیدگی به اختلاف از ارائه درخواست تا حصول نتیجه

قسمت اول: درخواست داوری

قسمت دوم: تبادل لوایح و ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

قسمت سوم: وظایف خواننده پس از دریافت ابلاغ درخواست داوری (ماده ۵ آئین نامه داوری)

قسمت چهارم: تحویل پرونده به داور

قسمت پنجم: داوران

الف: نحوه تعیین داور

اول: انتخاب داور طبق ماده ۷ آئین نامه داوری:

دوم: انتخاب داوران:

سوم: مقام صالح در انتخاب داور یا داوران در مرجع داوری:

ب: موارد جرح داور

ج: ترتیب رسیدگی به موجبات جرح داور

د: تعیین داور جانشین

قسمت ششم: شرایط عمومی داوری در بخش تعاون

اول: زبان داوری

دوم: محل داوری

سوم: مدت داوری

چهارم: جلسه داوری

پنجم: ارجاع به کارشناسی

قسمت هفتم: پایان امر داوری

اول: زوال داوری:

۱- توافق طرفین

۲- فوت یا حجر یکی از طرفین:

۳- عدم تمایل شخص معین به داوری:

۴- صادر نشدن رأی در مدت داوری:

۵- صدور حکم به بطلان رأی داور:

۶- انقضای موضوع داوری:

دوم: صدور رأی:

الف: شیوه صدور رأی:

ب: شکل و محتوای رأی:

ج: ابلاغ رأی

د: اصلاح، تفسیر و تکمیل رأی:

هـ: اجرای رأی

قسمت هشتم: هزینه‌های داوری

الف: هزینه‌های داوری در بخش تعاون

ب: مسئولیت تأمین هزینه‌ها

ج: زمان پرداخت هزینه‌های داوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقررات داوری در بخش تعاون

مقدمه

نهاد داوری سال‌هاست که در حقوق ایران وضع شده و اجرا می‌گردد. در سال ۱۳۱۸، قانون قدیم آیین‌رسانی مدنی به تصویب رسید و مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰ آن به داوری اختصاص یافت. قانون مزبور به موجب ماده ۵۲۹ قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب فروردین ماه ۱۳۷۹، صریحاً فسخ گردید، و مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ این قانون به داوری اختصاص یافت.

همچنین در خصوص دعاوی و منازعاتی که یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ حاکم خواهد بود. بنابراین در صورت به وجود آمدن اختلاف و منازعه چه در زمینه امور داخلی و یا خارجی اشخاص به اساس حقوقه موضوعه ایران حق مراجعه به داوری خواهند داشت که این داوری علی‌الاصول اختیاری می‌باشد و مبتنی بر توافق طرفین است، و لیکن در بعضی موارد ارجاع امر به داوری اجباری بوده و قانونگذار درخواست یکی از طرفین را در ارجاع به داوری کافی دانسته و دادگاه را مکلف به اقدام در این خصوص نموده است.

قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ را می‌توان از این مواد نام برد. همچنین ماده ۱۴ «لایحه‌ی قانونی مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره» مصوب ۱۳۳۶/۵/۷ و ماده ۵ «قانون توسعه صنایع پتروشیمی» مصوب ۱۳۴۴/۴/۱۴ را می‌توان ذکر نمود.

به موجب هر یک از این موارد مزبور «اختلافاتی که بین شرکت ملی نفت ایران با شرکت ملی صنایع پتروشیمی و طرف‌های دیگر پیش آید، چنانچه از طریق مذاکره‌ی دوستانه رفع نشود از طریق سازش و داوری حل خواهد شد (البته در حال حاضر مقررات مزبور باید با لحاظ اصل ۱۳۹ قانون اساسی اجرا شود).

همچنین رسیدگی و حل و فصل اختلافات از طریق داوری گاه به صورت موردی و گاه از طریق سازمانی صورت می‌پذیرد. مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس، دیوان بین‌المللی داوری در لندن، مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران. در داوری‌های سازمانی طریق حق و فصل اختلاف، روند رسیدگی به موضوع و صدور رأی تابع مقررات و ضوابط همان مرجع می‌باشد و در واقع داوری تحت نظارت و مدیریت یک سازمان یا نهاد داوری انجام می‌شود.

مقررات داوری در بخش تعاون را می‌توان با توجه به پیش‌بینی آن در بند ۹ ماده ۴۳ و بند ۲ ماده ۵۷ قانون بخش تعاون و در اساسنامه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در زمره‌ی داوری‌های اجباری قلمداد نمود. همچنین با توجه به تدوین آئین‌نامه داوری در بخش تعاون که در آن ضوابط و روش رسیدگی و حل و فصل اختلافات از طریق داوری را در مرجع داوری (اتاق یا اتحادیه‌های تعاونی) تبیین نموده، روش داوری موصوف، داوری سازمانی می‌باشد که نحوه رسیدگی از ابتدا تا صدور اجرای رأی داور را پیش‌بینی نموده است.

در این تحقیق در فصل اول به بیان منابع و تعارف و در فصل دوم روند رسیدگی از تاریخ ارجاع اختلاف به داوری تا حصول نتیجه و مقایسه داوری در تعاون با داوری موردی بر اساس آیین دادرسی مدنی خواهیم پرداخت.

فصل اول: کلیات

مبحث اول: منابع داوری در بخش تعاون

قسمت اول: قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰

این قانون که به عنوان اولین قانون مصرح در بخش تعاون در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۱۶ مصوب گردیده است در بند ۴ ماده ۶۲ در شرح وظایف اتحادیه‌های نظارت و هماهنگی تعاون موضوع «داوری و رفع اختلاف بین تعاونی عضو در صورتی که در اساسنامه آنها پیش‌بینی لازم شده باشد» را بیان می‌دارد.

لذا بر اساس این قانون که با توجه به ماده ۱۴۸ آن و ماده ۶۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۲ همچنان به قوت خود باقی مانده است، رفع اختلاف و داوری از جمله وظایف اتحادیه می‌باشد.

با توجه به متن ماده فوق انجام داوری توسط اتحادیه بر اساس این قانون مشروط به دو شرط گردیده است، اول اینکه اختلاف موجود می‌بایست فی مابین شرکتهای عضو تعاونی حادثه شده باشد. لذا شرکتهایی که عضو این اتحادیه‌ها نباشند را در بر می‌گیرد و دوم اینکه، موضوع داوری و رفع اختلاف می‌بایست حتماً در اساسنامه شرکتهای عضو پیش‌بینی شده باشد.

نکته دیگری که در متن این قانون مشاهده می‌گردد این است که از اختلاف بین شرکتهای صحبت نموده در حالی که بحث اختلاف بین اعضای شرکتهای با شرکت تعاونی و یا اختلاف اعضای شرکتهای با یکدیگر و یا اختلاف شرکتهای عضو با خود اتحادیه ساکت است که این نواقص با وضع قوانین جدید در خصوص اتحادیه‌های تعاونی و اتاق تعاون تا حدودی مرتفع گردیده و در

نهایت با تصویب آئین‌نامه داوری مصوب ۱۳۸۹ شیوه‌ها و روند اجرایی آن نیز مشخص شده است که به مباحث آن خواهیم پرداخت.

قسمت دوم: قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۰

در قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۷۷ در بند ۹ ماده ۴۳ و بند ۳ ماده ۵۷ موضوع حل اختلاف و داوری توسط اتحادیه‌های تعاونی و اتاق تعاون اشاره شده است.

بند اول اتحادیه‌های تعاونی

بر اساس بند ۹ ماده ۴۲ ق.ب.ت یکی از وظایف اتحادیه‌های تعاونی «حل اختلاف و داوری در محوده امور مربوط به تعاونی‌ها به صورت کدخدانمشی و صلح اعضای قانونی» می‌باشد. لازم به توضیح است که اتحادیه‌های تعاونی بر اساس ماده ۴۳ قانون بخش تعاون و بر اساس آئین‌نامه‌های اجرایی بخش با عضویت شرکت‌ها و تعاونی‌هایی که موضوع معافیت آنها واحد است و برای رفع حوائج و تأمین نیازهای شرکت‌های عضو تشکیل می‌گردند که بر اساس این قانون یکی از خدماتی که اینگونه اتحادیه‌ها به عهده دارند حل اختلاف و داوری بین اعضا است.

این اتحادیه‌ها در گرایش‌های مختلف اعم از اعتبار، مسکن، صنعتی، معدنی، کشاورزی و ... تشکیل می‌گردند که اعضای آن و هیأت مدیره (به غیر از مدیرعامل) از اشخاص حقوقی تشکیل می‌گردد.

از آنجایی که تخصص هر اتحادیه در امور و گرایشی معین است لذا در متن ماده فوق اشاره شده به اینکه حل اختلاف و داوری در محدوده‌ی امور مربوط به تعاونی‌ها خواهد بود بنابراین

اتحادیه‌های تعاونی در سایر اموری که ارتباطی به تعاونی‌های با موضوع فعالیت اتحادیه ندارد، صلاحیت رسیدگی و داوری نخواهد داشت، لذا اتحادیه‌های صنعتی صالح به رسیدگی به دعاوی شرکت‌های تعاونی مصرف نخواهند بود.

از سوی دیگر موضوع عضویت در اتحادیه جهت ارجاع امر داوری که در قانون شرکت‌های تعاونی از جمله شرایط ارجاع به اتحادیه بود با توجه به بند ۳ ماده ۱ آئین‌نامه داوری دیگر منتفی است و اتحادیه‌ای صالح به رسیدگی است که تعاونی عضو آن بوده یا موضوع فعالیت آن با فعالیت طرف اختلاف، واحد یا مشابه است.

بند دوم: اتاق تعاون

بر اساس بند ۳ ماده ۵۷ «حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها به صورت کدخدامنشی و صلح مابین اعضا و اتحادیه‌ها و بین تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها.» همانگونه که مشاهده می‌کنید صلاحیت اتاق تعاون در رسیدگی و حل و فصل اختلافات عام‌تر بوده و اتاق صالح به رسیدگی و داوری بین اعضای اتاق و اتحادیه‌ها، بین تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها با یکدیگر یا با اعضا می‌باشد. و به طور کلی اتاق تعاون در مواردی که شرکت‌های تعاونی فاقد اتحادیه مربوط باشند، یا وقوع اختلاف بین تعاونی‌ها با نوع و ماهیت متمایز با موضوع فعالیت مختلف باشد، مرجع داوری اتاق تعاون خواهد بود.

اتاق تعاون بر اساس آئین‌نامه داوری موصوف و اساسنامه خود وظیفه هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری را بر عهده دارد بدون آنکه خود مباشرت به داوری کند (تبصره ماده ۱ آئین‌نامه داوری)

قسمت سوم: قانون آئین‌نامه دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری

بین‌المللی

در ماده ۲۸ آئین‌نامه داوری قانون آئین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی به عنوان قوانین حاکم بر داوری در بخش تعاون، موارد و موضوعاتی که در آئین‌نامه مزبور پیش‌بینی نشده بیان گردیده است. لذا اختلافات موجود در این بخش چنانچه جنبه داخلی داشته باشند در مواردی که در این آئین‌نامه تصریح نشده باشد تابع آیین دادرسی مدنی و در مواردی که دارای عنصری خارجی و یا بین‌المللی باشند با حاکمیت قانون داوری تجاری بین‌المللی حل و فصل خواهند شد.

مبحث دوم: تعریف داوری در بخش تعاون و تعیین جایگاه آن در حقوق ایران

داوری در واقع روش حل اختلافی است که قانون‌گذار شیوه و نحوه اختلاف حق را در اختیار طرفین قرار داده و با اعطای این اختیار می‌خواسته طرفین تا جای ممکن از مراجعه به مراجع قضایی و طی مسیرهای پر پیچ و خم قانونی معاف باشند و موضوع اختلافشان را به شخص و اشخاصی واگذارند که به درستکاری، صداقت و امانت آن اعتماد دارند و همچنین تخصص لازم در بررسی و رسیدگی به موضوع را دارند.

به موجب بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی، «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله‌ی شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا

انتصابی.»

اما آنچه که در بخش تعاون با توجه به قوانین و ضوابط موجود از داوری به دست می‌آید پس از تعیین جایگاه داوری در قانون در حقوق موضوعه مشخص می‌شود.

قسمت اول: داوری اختیاری، داوری اجباری

با توجه به ماده ۴۵۴ ق.آ.م: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر... منازعه و اختلاف خود را ... به داوری ارجاع دهند.»

لذا ارجاع اختلاف به داوری صرفاً با تراضی طرفین میسر می‌باشد و قاضی محکمه بدون تراضی طرفین نمی‌تواند موضوع را به داوری ارجاع کند.

ولی در برخی موارد قانونگذار درخواست یکی از طرفین را برای ارجاع اختلاف به داوری را کافی می‌داند. (قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶) و حتی در مواردی ارجاع اختلاف به داوری را اجباری دانسته است. (م ۱۴ لایحه قانونی مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور قاره مصوب ۱۳۳۶)

در بخش تعاون نیز بر اساس ماده ۳ آئین‌نامه داوری به تنظیم موافقتنامه داوری جهت ارجاع دعوی به داوری اشاره شده لیکن در بند ۲ ماده فوق اشاره گردیده است که «در مواردی که طرفین دعوا به موجب اساسنامه مورد عمل خود، داوری موضوع این مقررات را پذیرفته‌اند مندرجات اساسنامه آنها در این زمینه به منزله موافقتنامه داوری محسوب می‌شود.»

و از آنجایی که در اساسنامه تیپ شرکت‌های تعاونی در ماده ۲ و ماده ۵۲ تعاونی موضوع داوری اتحادیه و اتاق تعاون بیان گردیده است و همچنین با توجه به اینکه در آئین‌نامه داوری عضویت در اتحادیه و یا اتاق را شرط داوری ندانسته و بر اساس بند ۲ ماده ۲ همان آئین‌نامه به نظر می‌رسد

رسیدگی به هر گونه اختلافی که بر اساس قوانین قابل ارجاع به داوری باشد الزاماً در ابتدا می‌بایست از طریق داوری حل و فصل گردد و در صورت عدم حصول نتیجه و یا اعتراض محکوم‌علیه به رأی داوری از طریق مراجع قضایی پیگیری گردد.

قسمت دوم: داوری موردی و داوری سازمانی

داوری موردی، داوری است که طرفین اختلاف خود یا توسط دادگاه و یا شخص ثالث شخص یا اشخاصی را به عنوان داور انتخاب و موضوع دعوا را بر اساس آئین دادرسی مدنی دنبال می‌کنند. لیکن در داوری‌های سازمانی، مؤسسات و سازمان‌هایی که گاه صرفاً به منظور داوری و گاه با داشتن وظایف داوری در کنار سایر وظایف سازمانی تشکیل می‌شوند، روند اجرایی داوری را بر اساس مقررات و ضوابط سازمانی خود پیگیری می‌نمایند.

در داوری‌های سازمانی به لحاظ نظارت، سازماندهی و مدیریتی که اینگونه سازمان‌ها بر امر داوری دارند، دقت و سرعت بیشتری در آراء صادره حاصل می‌گردد و به جهت نظارت سازمان و انتخاب داوران متخصص کمتر شاهد ابطال آراء صادره توسط دادگاه در داوری‌های سازماندهی هستیم.

علی‌ای حال داوری در اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون با توجه به مقررات و قوانین موجود از جمله داوری‌های سازمانی قلمداد می‌گردد به این توضیح که اتحادیه و اتاق تعاون بدون هیچگونه دخالتی در امر داوری صرفاً جریان داوری را مدیریت نموده و مانند دفاتر دادگاه‌ها به ابلاغ اوراق، برگزاری جلسات، معرفی داوران و ... می‌پردازد و قانونگذار در واقع به دلیل تخصصی بودن بخش تعاون و به منظور حمایت از حقوق تعاونگران نهاد داوری را بنیان نموده تا شرکت‌های تعاونی و اعضای آنها در دالان‌های طولانی دادگستری گرفتار نشده و هزینه‌های گزافی را متحمل نشوند. از

طرفی موضوع تخصصی تعاون را که قضات و وکلای دادگستری کمتر از قوانین خاص آن آگاهند به کارشناسان مورد وثوق تعاون و سایر متخصصین بسپارند.

داوری بر اساس بند ۱ ماده ۱ آئین نامه داوری به این صورت تعریف شده: «رسیدگی و حل و فصل اختلافات میان اعضا یا سهامداران غیرعضو تعاونی‌ها با تعاونی مربوطه یا تعاونی‌ها با یکدیگر یا اعضا اتاق‌های تعاونی‌ها با تعاونی‌ها یا یکدیگر یا اعضا اتاق‌های تعاون با اتاق مربوطه در خارج از دادگاه در اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون است که طرفین اختلاف، داوری را به موجب اساسنامه مورد عمل خود یا شرط ضمن عقد یا توافق بعدی به آنها ارجاع نموده‌اند.»

به نظر می‌رسد تعریف فوق صرفاً محدوده داوری و مرجع داوری را بیان نموده لیکن داوری در بخش تعاون، داوری است سازمانی که الزاماً قبل از مراجعه به مراجع قضایی و به منظور حل و فصل اختلافات مطرح شده در محدوده بخش تعاون با مدیریت اتحادیه و یا اتاق تعاون و بر اساس ضوابط و مقررات تعیین شده و حاکمیت قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی، انجام می‌پذیرد.

مبحث سوم: موافقتنامه داوری

ماده ۳ آئین نامه داوری موافقتنامه داوری را چنین تعریف می‌کند: «توافقی است که به موجب آن طرفین حل و فصل تمام یا بعضی از اختلافات خود را که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین

اعم از قراردادی یا غیرقراردادی به وجود آمده یا ممکن است در آینده حادث شود به داوری اتحادیه تعاونی یا اتاق تعاون محول می‌نماید» که به طرق زیر قابل فرض است:

۱- در مواردی که طرفین دعوا به موجب اساسنامه مورد عمل خود، داوری موضوع این مقررات را پذیرفته‌اند مندرجات اساسنامه آنها در این زمینه به منزله موافقتنامه داوری محسوب می‌شود.

۲- ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه داوری است.

۳- موافقتنامه داوری می‌تواند طی هر سندی که به امضای طرفین رسیده است یا از طریق مبادله نامه، یا نظایر آن منعقد شده باشد.

به موجب ماده ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی موافقتنامه داوری یا به صورت قراردادی است یا به صورت شرط ضمن عقد. در صورتی که موافقتنامه به صورت قراردادی باشد مشمول ماده ۴۵۴ ق.آ.د می‌گردد و پس از حدوث اختلاف و منازعه با تراضی طرفین حاصل می‌شود. خواه این منازعه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و خواه در مرحله بدوی باشد یا تجدیدنظر یا فرجام.

و در صورتی که موافقتنامه به صورت شرط داوری باشد طرفین پیش از وقوع منازعه و اختلاف و معمولاً به صورت شرط ضمن عقد و یا در قالب عقد جداگانه‌ای ملتزم می‌شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه نمایند.

پرسشی که در این خصوص مطرح می‌باشد این است که توافقنامه داوری در بخش تعاون در زمره

کدام گروه قرار دارد، قراردادی است یا شرط ضمن عقد است؟

علی‌رغم اینکه ماده ۳ آئین‌نامه موافقتنامه داوری را در سه دسته قراردادی، شرط ضمن عقد و ذکر

در اساسنامه قرار داده است لیکن همانگونه که قبلاً نیز گفته شد از آنجایی که داوری اتحادیه و

اتاق تعاون در اساسنامه انواع شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی به صورت غیرقابل تغییر لحاظ شده

است لذا دیگر فرض‌های پیش‌بینی شده برای موافقتنامه کاربردی به نظر نمی‌رسد و کلیه

موافقتنامه‌ها در بخش تعاون با ذکر اساسنامه است.

منتهی سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا ذکر در اساسنامه را می‌بایست در زمره قرارداد

تلقی نمود یا جزء موارد شرط ضمن عقد بدانیم؟

نظر به اینکه گفته شده موافقتنامه داوری به صورت قراردادی پس از وقوع اختلاف حادث

می‌شوند نه قبل از آن بنابراین نمی‌توان آن را قراردادی محسوب نمود.

و از آنجا که پیش‌بینی مواردی در اساسنامه شرکت‌های تعاونی قبل از وقوع اختلاف است و

همینطور اساسنامه پس از تصویب در مجمع عمومی با همه مفاد و شرایط مندرج در آن مورد قبول

اعضا قرار می‌گیرد لذا داوری مندرج در اساسنامه همان شرط داوری پذیرفته شده قلمداد می‌گردد

و در صورت بروز هر گونه اختلافی نیاز به انجام توافقی جدید نخواهد بود.

منتها در جایی که دعوی بین اعضا یا سهامداران غیرعضو با یکدیگر یا با اشخاص ثالث باشد،

انجام امر داوری توسط اتاق و اتحادیه صرفاً با تنظیم توافقنامه داوری میسر خواهد بود. (تبصره

ماده ۲ آئین‌نامه داوری)

لذا داوری اتاق و اتحادیه در اختلاف میان ۱- عضو و شرکت تعاونی، ۲- شرکت‌های تعاونی با یکدیگر، ۳- شرکت‌ها با اتحادیه‌های تعاونی، ۴- اتحادیه‌ها با یکدیگر، ۵- اتحادیه‌ها با اتاق تعاون، الزامی بوده و نیاز به تنظیم موافقتنامه داوری ندارد.

لیکن در اختلاف میان اعضا با یکدیگر یا با اشخاص ثالث تراضی طرفین ضروری است.

نکته دیگری که در اینجا حائز اهمیت است این است که در مواردی که داوری اتاق یا اتحادیه الزامی است آیا دادگاه صالح به رسیدگی است؟ بحث اجباری بودن داوری طبق بند ۲ ماده ۲ آیین‌نامه صراحتاً قید شده است به این نحو که در ماده موصوف آمده «طرفین اختلاف که به موجب اساسنامه مورد عمل موظف به ارجاع اختلافات به داوری شده‌اند باید بر اساس مقررات حاضر اختلافات خود را اعم از آن که در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله از رسیدگی باشد به مرجع داوری مورد توافق ارجاع دهند و در صورتی که چنین تکلیفی در اساسنامه مقرر نشده باشد، می‌توانند با توافق، موضوع مورد اختلاف را به داوری ارجاع کنند.»

در نتیجه با وجود وضع شرط داوری در اساسنامه شرکت‌ها در صورت طرح دعوی در مراجع قضایی، مراجع مزبور می‌بایست نسبت به دعوی قرار عدم صلاحیت صادر نمایند چرا که تکلیف داوری در اساسنامه مقرر شده و مراجع داوری صالح به رسیدگی هستند و دادگاه در مرحله اعتراض و یا استنکاف مراجع، از امر داوری یا عدم امکان داوری، صالح می‌باشد.

مبحث چهارم: مرجع داوری

همانگونه که در مبحث منابع داوری در بخش تعاون ذکر گردید مرجع داوری طبق بند ۹ ماده ۴۳ و بند ۳ ماده ۵۷ قانون بخش تعاون اتحادیه و اتاق تعاون می باشد.

علت پیش بینی ۲ مرجع برای داوری توسط قانون گذار بحث تخصصی بودن امر داوری است بدین توضیح که در خصوص شرکت ها و صفوف خاص تعاونی اولویت داوری با اتحادیه های همان صنف به دلیل داشتن تجربه و تخصص لازم در آن حرفه و گرایش می باشد.

اول: موارد ارجاع اختلاف جهت داوری به اتحادیه:

۱- اختلاف بین شرکت های تعاونی عضو اتحادیه

۲- اختلاف بین شرکت های تعاونی با موضوع فعالیت اتحادیه

دوم: موارد ارجاع اختلاف جهت داوری به اتاق تعاون:

۱- عدم وجود اتحادیه مربوطه

۲- ایجاد اختلاف بین شرکت های تعاونی با نوع و ماهیت متمایز.

دسته بندی فوق بر اساس بند ۲ ماده ۱ آئین نامه داوری می باشد. لیکن بر این دسته بندی در

خصوص موارد ارجاع اختلاف به اتاق تعاون باید موارد زیر را نیز افزود.

۳- اختلاف بین شرکت های تعاونی و اتحادیه های ذیربط (ماده ۵۲ اساسنامه تیپ شرکت های

تعاونی)

۴- مواردی که اتحادیه قادر به انجام داوری در موضوع منازعه نمی باشد.

همچنین با توجه به متن بند ۳ ماده ۵۷ ق.ب.ت که حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها به صورت کدخدامنشی و صلح بین اتحادیه‌ها و بین تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها را مطرح نموده است. صلاحیت اتاق نسبت به صلاحیت اتحادیه‌ها عام‌تر است.

فصل دوم: روند رسیدگی به اختلاف از ارائه درخواست تا حصول نتیجه

قسمت اول: درخواست داوری

در ماده ۴ آئین نامه داوری شروع داوری را منوط به ارائه درخواست دانسته، از آنجایی که داوری در بخش تعاون از جمله داوری های سازمانی است و همانگونه که گفته شد نیازمند تنظیم قرارداد داوری می باشد (مگر در برخی موارد) رسیدگی به اختلاف در این مرجع الزماً می بایست با ارائه درخواست داوری به مرجع داوری باشد.

قابل ذکر است که درخواست موصوف از خیلی جهات شبیه به ارائه درخواست توسط خواهان در مراجع قضایی است. درخواست داوری موصوف بر اساس ماده ۴ می بایست دارای شرایط مذکور باشد. در غیر این صورت طبق تبصره ۳ همان ماده، هیچگونه تکلیفی برای مرجع داوری به وجود نمی آورد.

موارد ضروری در درخواست داوری:

۱- مشخصات کامل و نشانی طرفین

۲- تعیین خواسته

۳- توضیح ادعا و دلایل آن و وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است

۴- شرط داوری یا موافقتنامه داوری

۵- اظهار نظر مورد تعداد داوران

۶- امضاء خواهان و در صورت عجز از امضاء (اثر انگشت)

تبصره ۱: خواهان داوری مکلف است رونوشت یا تصویر مصدق اسناد مثبته را ضمیمه درخواست خود کرده و اصل آنها را در صورت درخواست داور یا مرجع داوری ارائه نماید.

تبصره ۲: در صورتی که درخواست داوری به نمایندگی یا وکالت تقدیم شود، درجه مشخصات نماینده یا وکیل و ارائه اسناد مثبت سمت الزامی خواهد بود.

قسمت دوم: تبادل لوایح و ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

با توجه به وظیفه مدیریتی و نظارتی مرجع داوری، این مرجع همانند دفاتر دادگاه‌های دادگستری می‌بایست پس از دریافت درخواست داوری یک نسخه از درخواست و اسناد و مدارک ضمیمه آن را جهت پاسخ‌گویی به خواننده ابلاغ نماید (ماده ۵ آئین‌نامه داوری).

ابلاغ کلیه اوراق و اخطاریه‌ها از طریق پست سفارشی و یا حضوری انجام خواهد شد. (ماده ۶) طبق این ماده داشتن است که رسید پست سفارشی و یا امضاء طرفین به منزله ابلاغ محسوب می‌گردد. لذا در بخش ابلاغ اوراق نیازی به رعایت ضوابط ابلاغ در مراجع قضایی نخواهد بود.

قسمت سوم: وظایف خواننده پس از دریافت ابلاغ درخواست داوری (ماده ۵

آئین‌نامه داوری)

الف: خواننده باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ درخواست داوری، پاسخ خود را که مشتمل بر اطلاعات ذیل می‌باشد، به مرجع داوری تسلیم نماید.

۱- مشخصات کامل همراه با نشانی پستی و حسب مورد هرگونه اسناد مثبت سمت، در

صورتی که دفاع به نمایندگی یا وکالت به عمل آید.

۲- پاسخ به ادعاها، بیان ایرادات و مدافعات و ارائه هرگونه دلیل و اسناد و مدارک.

۳- اظهار نظر در خصوص تعداد داوران.

ب: در صورتی که خواننده دعوای متقابلی داشته باشد باید ضمن پاسخ به درخواست داوری، به

مرجع داوری تسلیم و ثبت کند. دعوای متقابل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- بیان دوا، منشأ و دلایل آن

۲- ذکر خواسته دعوای متقابل

ج: مرجع داوری دعوای متقابل را به خواهان ابلاغ می کند و خواهان باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ

ابلاغ آن، لایحه جوابیه و د را به مرجع داوری تسلیم نماید.

قسمت چهارم: تحویل پرونده به داور

مرجع داوری پس از طی مراحل فوق، تبادل لوایح و تکمیل پرونده، و تعیین «داور» و اعلام قبولی

توسط داور، پرونده را جهت رسیدگی به داوری ارسال می دارد (بند د ماده ۵).

قسمت پنجم: داوران

الف: نحوه تعیین داور

علیرغم اینکه گفته شد داوری در بخش تعاون جزء داوری های سازمانی و اجباری می باشد و لیکن

تعیین داور و یا داوران می بایست با توافق طرفین و بر اساس قرارداد یا شرط ضمن عقد صورت

پذیرد. منتها چنانچه طرفین خود داور مورد وثوقشان را به طرق ذکر شده انتخاب نکنند و یا در این خصوص اختلاف نظر داشته باشند بر اساس ضوابط مقرر در آئین‌نامه داوری عمل نمایند.

به همین خاطر این موضوع در ماده ۷ آئین‌نامه پیش‌بینی گردیده و رجوع طرفین به مرجع داوری به منزله قبول مقررات تعیین داور و شرایط آن می‌باشد.

اول: انتخاب داور طبق ماده ۷ آئین‌نامه داوری:

«مرجع داوری با توجه به موضوع دعوی، یک نفر را به عنوان داور انتخاب می‌نماید و به طرفین اعلام می‌کند تا اگر اعتراض یا جهات رد نسبت به داور مذکور دارند، ظرف مدت پنج روز پس از معرفی داور به مرجع داوری، اعلام کنند.

چنانچه هر یک از طرفین ظرف مهلت مقرر اعتراض یا جهات رد موجهی نسبت به داور منتخب اعلام نمایند و مورد قبول مرجع داوری واقع شود، مرجع فرد دیگری را معرفی خواهد نمود، در غیر این صورت مرجع داوری پرونده را به او تسلیم می‌کند.

دوم: انتخاب داوران:

ممکن است توافق شود که رسیدگی به اختلاف توسط هیأت داوری انجام شود. در این صورت انتخاب هیأت داوری به دو روش می‌باشد:

۱- یا اینکه هیأت داوران توسط طرفین انتخاب می‌شود به این نحو که در بند ب ماده ۷

آئین‌نامه بیان نموده هر یک از طرفین مکلف است داور اختصاصی خود را در ظرف مدتی

که مرجع داوری تعیین می‌کند از میان داوران مرجع انتخاب و معرفی کند و سپس طرفین

یا داوران اختصاصی ایشان (با موافقت طرفین) مکلفند ظرف مدت ۵ روز داور سوم (سر داور) را به اتفاق تعیین و معرفی نمایند.

۲- و یا هیأت داوران توسط مرجع داوری انتخاب می‌شود. لذا در بند ب همان ماده آمده، در صورتی که طرفین ظرف مهلت مقرر داوران اختصاصی خود یا سر داوران را انتخاب و معرفی نکنند، مرجع داوری حسب مورد، داور طرف ممتنع یا سر داور (هر دو) را، انتخاب و معرفی می‌نماید تا اگر هر یک از طرفین اعتراض یا جهات رد نسبت به داور اختصاصی طرف دیگر یا سر داور دارند، ظرف مهلت پنج روز پس از معرفی داور به مرجع اعلام کنند.)

لازم به ذکر است که بر اساس تبصره ۳ ماده ۷ آئین‌نامه در صورتی که داوری توسط هیأت داوری باشد حداقل یکی از داوران می‌بایست از کارشناسان حقوقی (ترجیحاً آشنا به مسائل حقوقی بخش تعاون) تعیین شود.

سوم: مقام صالح در انتخاب داور یا داوران در مرجع داوری:

همانگونه که گفته شد تعیین داور بنا بر تراضی طرفین است و در صورت اختلاف و یا عدم انتخاب داور توسط هر یک از طرفین مرجع داوری نسبت به اختلاف داور یا داوران اقدام می‌نماید. بر اساس تبصره ۴ ماده ۷ آئین‌نامه (تعیین داور یا داوران با رأی اکثریت هیأت مدیره و هیأت بازرسی خواهد بود.) لذا اعم از اینکه موضوع اختلاف در کدام مرجع داوری مورد رسیدگی قرار گیرد (اتحادیه یا اتاق تعاون) انتخاب داوران می‌بایست با اکثریت آراء هیأت‌های مدیره و بازرسی در مراجع مزبور به عمل آمده و افراد صالح و واجد شرایط انتخاب گردند.

ب: موارد جرح داور

روشن است که انجام داوری توسط اشخاص حقیقی دارای اهلیت قانونی میسر می‌باشد (م ۴۶۶ ق.آ.د.م) با این وجود انجام داوری حتی برای برخی از این اشخاص نیز منع گردیده که در موارد این ممنوعیت عام بوده و شامل تمام اختلافات و دعاوی می‌گردد و بنابر صراحت م ۴۶۶ ق.آ.د.م حتی با تراضی هم نمی‌توان آنها را به عنوان داور انتخاب کرد و گاهی هم این تراضی نسبی است و با توافق طرفین قابل اجراست لذا در ماده ۸ آئین‌نامه موارد جرح داور را دو دسته نمود.

اول: ممنوعیت مطلق اشخاص، زیرا هر چند با تراضی نمی‌توان به عنوان داور انتخاب نمود.

۱- اشخاصی که بیطرفی و استقلال ایشان در موضوع داوری، محل تردید باشد.

۲- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. (این بند مطابق با بند ۱ ماده ۴۶۶ ق.آ.د.م تدوین

شده)

۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند. (بند ۲

ماده ۴۶۶)

۴- کلیه قضات، کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی (م ۴۷۰ ق.آ.د.م)

دوم: ممنوعیت نسبی:

اشخاص زیر را نمی‌توان به عنوان داور معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین (م ۴۶۹

ق.آ.د.م و بند ب ماده ۸ آئین‌نامه داوری)

۱- کسانی که سن آنها کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.

۲- کسانی که در دعوی ذینفع باشند.

۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر یکی از اصحاب دعوا هستند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنها باشد.

۵- کسانی که خود یا همسرشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.

۶- کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کیفری داشته باشند.

۷- کسانی که خود، همسرشان یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم آنها با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی داشته باشد.

۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

۹- اعضای هیأت مدیره و بازرسان و مدیرعامل اتحادیه‌های تعاونی و رؤسا، مدیران و دبیران اجرایی اتاق‌های تعاون.

ج: ترتیب رسیدگی به موجبات جرح داور

برخلاف اینکه در داوری‌های موردی رسیدگی به موارد رد داور در صلاحیت دادگاه صالح به اصل دعوی است (م ۴۷۱) و داوری تعاون رسیدگی به موجبات رد داور در صلاحیت مرجع

داوری است، و بر اساس تبصره ماده ۸ آئین نامه (پس از تعیین داور، طرفین در صورت حدوث موجبات جرح می توانند تا قبل از صدور رأی داورى اعتراض خود را با ذکر دلایل و مستندات مربوط به مرجع داورى اعلام نمایند. مرجع داورى موظف است پس از دریافت تقاضای جرح داور، در اسرع وقت به اعتراض وی رسیدگی و نظر قطعی خود را که برای طرفین لازم الاجرا است، اعلام نماید.

داور باید تا اعلام نظر مرجع داورى، رسیدگی به اختلاف موضوع داورى را متوقف نماید. همچنین بر اساس تبصره ۱ ماده ۷ آئین نامه تصمیم مرجع داورى در این خصوص قطعی است.

د: تعیین داور جانشین

با وجود اینکه توافقنامه و قرارداد داورى از جمله عقود لازم می باشند و طرفین نمی توانند جز با تراضی و توافق آن را منفک کنند ولی فوت هر یک از طرفین موجب زوال داورى می شود (م ۴۸۱ ق.آ.د.م) با این حال فوت یا حجر داور تغییر در روند و جریان داورى ندارد و در این صورت مرجع داورى موظف به تعیین معرفی داور جانشین است.

در این راستا ماده ۹ آئین نامه به مواردی که مرجع داورى مکلف به انتخاب داور جانشین است اشاره و آنها را احصا نموده است: (در صورت فوت، حجر، استغنا یا لغو حکم داور یا داوران از سوی مرجع داورى به دلیل قصور، ناتوانی و ظایف داورى یا ثبوت جهات رد داور، مرجع داورى موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تعیین داور جایگزین اقدام نماید).

قسمت ششم: شرایط عمومی داوری در بخش تعاون

اول: زبان داوری

بر اساس ماده ۱۵ آیین نامه داوری (زمان داوری فارسی است در صورت عدم تسلط هر یک از طرفین به زبان فارسی بایستی از مترجم استفاده شود). بنابراین زبان داوری از حیث ابلاغ اوراق، رأی داور، زبان رسیدگی و ... زبان فارسی می باشد.

نکته ای که در اینجا مطرح می گردد این است که در صورتی که داوری با عنصر بین المللی مواجه باشد و بر اساس ماده ۲۸ آیین نامه داوری به مشمول مقررات داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ گردد. آیا باز هم می توان به ماده ۱۵ جهت حاکمیت زبان فارسی استناد نمود؟

طبق ماده ۲۱ قانون داوری تجاری بین المللی (طرفین می توانند در مورد زبان یا زبان های مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر این صورت «داور» زبان یا زبان های مورد استفاده در داوری را تعیین می کند. توافق طرفین یا تصمیم «داور» در این مورد شامل هر گونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات، جلسات رسیدی، مراسلات داور و صدور رأی خواهد بود).

بنابراین بر اساس این ماده زبان داوری بر اساس توافق طرفین انتخاب می گردد و چنانچه طرفین به انتخاب زبان مبادرت ننمایند و یا در این خصوص توافقی نکنند داور زبان داوری را تعیین خواهد کرد. در نتیجه با توجه به اینکه مقررات آیین نامه تاب مقاومت در برابر قانون را ندارد در جایی که موضوع داوری با عنصری بین المللی بود و قانون حاکم بر آن بر اساس ضوابط تعریف شده، قانون

داوری تجاری بین‌المللی بود دیگر نمی‌توان زبان داوری را فارسی دانست و باید به توافق طرفین و یا در نظر داور رجوع کرد.

دوم: محل داوری

محل داوری بر مبنای ماده ۱۳ آئین‌نامه داوری مرکز اصلی مرجع داوری بیان نموده مگر اینکه داور با توجه به شرایط و اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی به طرفین و تسریع در رسیدگی محل دیگر را تعیین نماید. لذا تعیین محل داوری ابتدا مرجع داوری است لیکن داور نیز می‌تواند محل دیگری را مشخص نماید. همچنین طرفین دعوا نیز می‌توانند به محل دیگری توافق کنند مشروط بر اینکه تعهد به تأمین هزینه مسافرت داور یا داوران نمایند.

سوم: مدت داوری

طبق ماده ۴ آئین‌نامه داوری (مدت داوری سه ماه و ابتدای آن روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا هیأت داوری ارجاع می‌گردد.) لذا مدت داوری در بخش تعاون از تاریخ ارجاع موضوع اختلاف به داور یا هیأت داوری سه ماه است ولی این مدت با استناد به تبصره ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی با توافق طرفین قابل تمدید است. بنابراین چون مدت تعیین شده قابل تمدید است، در صورتی که رسیدگی به موضوع نیازمند زبان بیشتری جهت بررسی و صدور رأی است طرفین می‌توانند این مدت را تمدید نمایند.

البته نباید موارد توقف داوری را داخل در زمان داوری محسوب کرد و چنانچه عوامل توقف داوری از قبیل ارجاع امر به کارشناسی، جرح داور و ... پیش آید تا حصول نتیجه داوری متوقف خواهد شد. در زمان موصوف در مدت داوری احتساب نمی گردد.

چهارم: جلسه داوری

اصولاً برای رسیدگی به اختلاف در داوری الزامی به برگزاری جلسه نیست و داور با رسیدگی و بررسی اسناد و مدارک طرفین می تواند مبادرت به صدور رأی نماید منتهی در مواردی تشکیل جلسه برای امر داوری ضروری است و این موارد بر اساس ماده ۱۱ آئین نامه داوری، تشخیص داور و یا درخواست هر یک از طرفین ذکر شده بر اساس این ماده:

۱- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارائه و توضیحات بر عهده داور است ولی در صورتی که یکی از طرفین حسب مورد در درخواست داوری یا لایحه دفاعیه تقاضای تشکیل جلسه کند، برگزاری جلسه با حضور طرفین الزامی است.

۲- در مواردی که هیأت داوری متشکل از سه نفر است، جلسات رسیدگی هیأت با حضور اکثریت اعضای آن رسمیت خواهد یافت.

۳- کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم و ارائه شده و همچنین گزارش و نظریه کارشناسی منتخب داور یا مورد توافق طرفین باید به طرف های انتخاب ابلاغ گردد.

۴- داور صورت مجلسی از مذاکرات جلسه رسیدگی تهیه و به امضای حاضرین خواهد

رساند. طرفین می‌توانند از صورت مجلس تنظیمی درخواست رونوشت کنند.

۵- داور علاوه بر رسیدگی به دلایل استنادی طرفین، هرگونه تحقیقی که برای کشف حقیقت

لازم باشد انجام خواهد داد.

پنجم: ارجاع به کارشناسی

در مواردی با وجود تخصصی بودن داور یا داوران باز هم در مسائل و اختلافات حادثه در

شرکت‌های تعاونی نیاز به رسیدگی‌های تخصصی بیشتری است و علم و اطلاعات داور در این

خصوص کافی نیست. در این موارد به تشخیص داور و یا به تقاضای هر یک از طرفین موضوع

اختلاف جهت رسیدگی و بررسی دقیق به کارشناسی ارجاع می‌گردد.

ماده ۱۶ آئین‌نامه داوری در این رابطه بیان داشته است (داور می‌تواند در موارد لزوم یا به تقاضای

هر یک از طرفین، موضوع را به کارشناس متخصص ارجاع کند. در این صورت، طرفین مکلفند

هرگونه اطلاعات و مدارک مورد نیاز را در اختیار کارشناس منتخب خود قرار دهند.

نظریه کارشناسی از طریق مرجع داوری ابلاغ می‌گردد تا چنانچه به مفاد آن اعتراض دارند حداکثر

ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اعلام نمایند. اعتراض مذکور در هیأت کارشناسی مرکب از سه نفر

کارشناس به انتخاب داور یا به توافق طرفین، رسیدگی شده و نظری که این هیأت صادر و اعلام

می‌کند، قطعی و غیرقابل اعتراض و مبنای تصمیم‌گیری داور خواهد بود.)

قسمت هفتم: پایان امر داوری

ماده ۱۷ آئین‌نامه داوری رسیدگی داوری را در موارد زیر مختومه می‌داند:

الف: استرداد درخواست داوری از ناحیه خواهان مگر آنکه دعوی در مرحله صدور رأی باشد و خواننده به آن اعتراض نماید یا خواهان از اصل دعوای خود صرف‌نظر کند.

ب: توافق طرفین به ختم رسیدگی و حل و فصل اختلافات خود به طریق مصالحه و سازش و یا شرایط مرضی الطرفین.

ج: صدور رأی به موجب ماده ۱۸.

تقسیم‌بندی فوق تحت عنوان خاتمه رسیدگی نمی‌تواند جامعیت لازم را داشته باشد و شامل مواردی که موضوع اختلاف بنابه دلایل مختلفی می‌گردد، نمی‌شود. بنابراین بهتر است پایان امر داوری را به دو بخش زوال داوری و صدور رأی تقسیم نمائیم.

اول: زوال داوری:

۱- توافق طرفین بر اساس بند ب ماده ۱۷ آئین‌نامه داوری و همچنین بند ۱ ماده ۴۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی. طرفین می‌توانند همانگونه که با تراضی به داوری را پذیرفته‌اند نسبت به از بین بردن آن نیز تراضی نمایند. منتهی این طریق در بخش تعاون از طریق مصالحه و سازش عنوان شده آن هم با شرایط مرضی الطرفین. اما در هر حال با توجه به ماده ۴۸۶ ق.آ.د.م طرفین حق دارند رأی داور را به اتفاق به طور کلی یا قسمتی از آن را رد کنند، در این صورت رأی در قسمت مردود بلااثر است.

۲- فوت یا حجر یکی از طرفین:

در آئین نامه داوری به این موضوع اشاره ای نشده لیکن با توجه به ماده ۲۸ آئین نامه در خصوص حاکمیت قانون آئین دادرسی مدنی در موارد پیش بینی نشده، می توان در این مورد به بند ۲ ماده ۴۸۱ ق.آ.د.م استناد کرد. به موجب این ماده فوت یا حجر هر یک از طرفین موجب زوال داوری می شود. بنابراین وراث متوفی یا نماینده قانونی محجور مکلف به تبعیت از قرارداد داوری نمی باشند.

۳- عدم تمایل شخص معین به داوری:

بر اساس ماده ۴۶۳ آ.د.م (هرگاه طرفین ملزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننماید، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.) با توجه به اینکه در این ماده شخص از شخص معین شده و شخص اعم از حقیقی یا حقوقی است و از آنجایی که مرجع داوری در تعاون (اتحادیه یا اتاق تعاون) دارای شخصیت حقوقی است، لذا در صورتی که بنا به دلایلی مرجع داوری از رسیدگی به اختلاف امتناع ورزد و یا اینکه موضوع اختلاف را نتواند حل و فصل نماید صلاحیت رسیدگی به اختلاف با دادگاه خواهد بود. البته در مواردی که اتحادیه های تعاون نتوانند به موضوع اختلاف رسیدگی نمایند عملاً موضوع اختلاف به اتفاق تعاون جهت داوری ارجاع می گردد که این امر خود جای بحث دارد.

۴- صادر نشدن رأی در مدت داوری:

به موجب بند ۴ ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م، صدور رأی پس از انقضای مدت داوری از موجبات ابطال رأی خوانده شده همچنین بر اساس ماده ۴۷۴ ق.آ.د.م چنانچه داور نتواند در مدت داوری رأی دهند طرفین هم به داوری اشخاص دیگری تراضی نمایند داوری زائل می‌شود.

۵- صدور حکم به بطلان رأی داور:

طبق ماده ۴۹۱ ق.آ.د.م و تبصره آن، در صورتی که حکم به بطلان رأی داور صادر شود، رسیدگی به دعوی در صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد. بنابراین در صدور حکم ابطال رأی داور داوری زائل می‌شود رسیدگی مجدد از طریق داوری با تراضی طرفین صورت خواهد گرفت.

موارد باطل بودن رأی داور بر اساس ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م و ماده‌ی ۲۲ آئین‌نامه داوری:

- ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.
- ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر نکرده است.
- ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد.
- ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
- ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.
- ۶- رأی به وسیله‌ی داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند.
- ۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

موارد مذکور در بالا قابل اجرا و اعمال در بخش تعاون نیز بوده (ماده ۲۲ آئین نامه داوری) لذا در صورت وجود هر یک از سبب های فوق رأی داوری باطل بوده و قابلیت اجرایی ندارد.

۶- انقضای موضوع داوری:

اگر موضوعی که برای رسیدگی به داوری ارجاع می شود، منتفی گردد، داوری زائل می شود. به عنوان مثال اگر موضوع اختلاف مطالبه وجه سهام از شرکت تعاونی باشد و در پی رسیدگی معین شود که خواهان اصلاً عضو شرکت تعاونی نیست و سهام رسمی ندارد موضوع داوری در اینجا منتفی است.

دوم: صدور رأی:

الف: شیوه صدور رأی:

به موجب ماده ۱۸ آئین نامه داوری:

۱- داور باید بر اساس قوانین و مقررات جاری و اصول و قواعد حقوقی حاکم بر ماهیت اختلاف، حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ اعلام ختم رسیدگی، رأی مقتضی را صادر نمایند.

۲- شرایط و مندرجات قرارداد طرفین و عرف و عادت و اوضاع و احوال مربوطه باید در اتخاذ تصمیم داور مدنظر قرار گیرد.

۳- تصمیم داور یا هیأت داوری که با اکثریت اعضای آن اتخاذ شده، معتبر خواهد بود و به منزله رأی مرجع داوری است.

ب: شکل و محتوای رأی:

نکات ضروری که باید در رأی داوری لحاظ گردد. (بر اساس ماده ۱۹ آئین نامه داوری)

۱- شماره و تاریخ صدور رأی.

۲- مشخصات طرفین و وکیل یا نمایندگان قانونی آنها با قید اقامتگاه.

۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین.

۴- گردش کار.

۵- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آنها صادر شده است.

۶- مشخصات داور یا هیأت داوران.

۷- امضای داور یا داوران (اکثریت هیأت داوری).

۸- مهر مرجع داوری.

در خصوص شکل و محتوای رأی در داوری‌های موردی که بر اساس قانون آئین نامه دادرسی

مدنی به عمل می‌آید نحوه و شکل رأی داور را به این صورت بیان نموده و صرفاً در ماده ۴۸۲

ق.آ.د.م اشاره کرده که رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

و در ماده ۴۸۹ موارد بطلان رأی داوری را به سبب مخالفت با قانون پیش‌بینی نموده لذا در این

مواد قانونگذار محتوای رأی داوری را صریحاً پیش‌بینی ننموده است. و لیکن این امر بر اساس

ماده ۱۹ آئین نامه داوری در بخش تعاون به صراحت بیان گردیده است.

ج: ابلاغ رأی:

در رابطه با ابلاغ رأی داوری مرجع داوری وظیفه‌ای شبیه دفتر دادگاه صالح که در ماده ۴۸۵ ق.آ.د.م ذکر شده دارد. لذا برخلاف داوری‌های موردی که این امر در صورت عدم پیش‌بینی نحوه ابلاغ در قرارداد داوری، عهده دفاتر دادگاه ارجاع‌کننده امر به داوری و یا دادگاه صالح می‌باشد، از وظایف مرجع داوری است.

بنابراین به دلالت ماده ۲۰ آئین‌نامه داوری رأی پس از صدور، توسط مرجع داوری به طرفین ابلاغ می‌گردد. مشروط بر آنکه هزینه‌های داوری به مرجع داوری پرداخت شده باشد. ابلاغ رأی حسب مورد به صورت حضوری در مرجع داوری یا از طریق پست سفارشی به آخرین اقامتگاه قانونی اعلامی طرفین صورت می‌پذیرد.

د: اصلاح، تفسیر و تکمیل رأی:

در خصوص تصحیح رأی داوری ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م بیان داشته که تصحیح رأی قبل از انقضای مدت داوری رأساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست هر یک از طرفین با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود و داوران مکلفند ظرف ۲۰ روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی، تصمیم بگیرند و سپس رأی تصحیحی به ایشان ابلاغ می‌گردد. منتهی این مقررات در بخش تعاون با تفاوت‌هایی اعمال می‌گردد.

بر اساس ماده ۲۹ آئین‌نامه داوری:

۱- تا زمانی که رأی داوری اجرا نشده است هر یک از طرفین می‌توانند از داور درخواست تصحیح اشتباهات نگارشی و محاسبه‌ای رأی یا رفع ابهام از آن را بنمایند. داور نیز می‌تواند

در صورت ملاحظه هر گونه اشتباه یا ابهام در رأی صادره رأساً اقدام به تصحیح یا تفسیر رأی نماید.

در اینجا مدت زمان اعلام اشتباه و تصحیح رأی تا زمانی که رأی اجرا نشده است مقرر شده یعنی ممکن است مدت اعتراض نیز سپری شده باشد ولی هنوز رأی صادره اجرا نشده یا به اجرای احکام مراجعه نگردیده است در صورتی که در ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م درخواست تصحیح تا پایان مدت داوری یا پایان مهلت اعتراض بیان گردیده است.

۲- در رابطه با مدت زمان اصلاح و تصحیح رأی طبق بند ۲ ماده ۲۱ آئین نامه داوری داور باید ظرف مدت پنج روز از تاریخ دریافت تقاضا رأی صادره را تصحیح و اصلاح نماید در حالی که طبق ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م این مدت برای داور ۲۰ روز اعلام گردیده است.

۳- هر یک از طرفین می تواند با ارسال اخطاریه ای برای ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ رأی، از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که در طول جریان داوری مطرح شده ولی در رأی صادره مورد حکم قرار نگرفته است، رأی تکمیلی صادر نماید. داور در صورتی که درخواست مزبور را موجه تشخیص دهد، ظرف ده روز مبادرت به صدور رأی تکمیلی خواهد کرد.

هـ: اجرای رأی:

در بند ۵ قسمت هفتم این تحقیق مواردی را که رأی داور قابلیت اجرایی ندارد را بیان نمودیم در مواردی که رأی داور به درستی صادر نشده است و دارای هیچ یک از موارد بطلان نمی باشد محکوم علیه ممکن است حداکثر تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داور را اجرا نماید (م ۴۸۸

آ.د.م و ماده ۲۲ آئین‌نامه داوری). در غیر این صورت بنا به تقاضای کتبی محکوم‌له از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، درخواست اجرا می‌گردد و طبق مقررات برگه اجرایی صادر و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

لذا در این مدت (۲۰ روز) هر یک از طرفین می‌توانند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور در دادگاهی که صالح به رسیدگی به اصل دعوی است نسبت به ابطال رأی داوری اقدام نماید و دادگاه مکلف به رسیدگی می‌باشد. و در صورتی که اعتراض وارد بوده و موجبات بطلان رأی داور وجود داشته باشد، دادگاه حکم به بطلان رأی می‌دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می‌ماند.

موارد فوق مستفاد از ماده ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی است ولی چیزی از آن در آئین‌نامه داوری ذکر شده است. ولی با توجه به ماده ۲۲ در بیان موارد بطلان و مهلت ۲۰ روزه برای اجرای حکم و همچنین حاکمیت قانون آئین دادرسی مدنی در موارد سکوت آئین‌نامه قابل تسری به اختلافات مطرح شده در مرجع داوری هم می‌گردد.

قسمت هشتم: هزینه‌های داوری

هزینه‌های داوری بر اساس آئین دادرسی مدنی و در ماده ۴۹۷ الی ۵۰۰ بیان گردیده است که به دو صورت پیش‌بینی شده اول بر اساس آئین‌نامه داوری که هر سه سال یک بار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. (م ۴۸۹ ق.آ.د.م) و دوم بر اساس قرارداد فی‌مابین داور و اصحاب دعوا که به صورت توافق خواهد بود (م ۵۰۰ ق.آ.د.م)

الف: هزینه‌های داوری در بخش تعاون

در مواد ۲۳ الی ۲۸ آئین‌نامه پیش‌بینی گردیده است که به شرح ذیل می‌باشد.

هزینه‌ها عبارتند از: ۱- هزینه‌های داوری ۲- هزینه‌های اداری (م ۲۲ آ.د.)

اول، هزینه‌های داوری شامل موارد زیر می‌گردد: (م ۲۴ آئین‌نامه داوری)

۱- حق الزحمه داوران مطابق ماده ۲۶ آئین‌نامه.

۲- حق الزحمه کارشناسان مطابق با تعرفه‌های قانونی.

۳- هزینه مأموریت داوران به خارج از حوزه مرجع داوری در صورتی که به تقاضای هر یک

از طرفین یا تصمیم داور و تأیید مرجع داوری انجام شده باشد.

دوم: هزینه‌های اداری:

هزینه‌های اداری شامل تدارک مکان مناسب برای برگزاری جلسات داوری، امور دبیرخانه، تأمین

منشی و نظایر آن مبلغ سیصد هزار ریال می‌باشد.

حق الزحمه داوران به شرح ذیل تعیین می‌شود:

۱- حق الزحمه داوری در صورت واحد بودن داور پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت

تعداد داوران به ازای هر نفر سیصد هزار ریال (۳۰۰/۰۰۰) ریال خواهد بود.

۲- چنانچه دعوی متعددی باشد حق الزحمه هر دعوی جداگانه تعیین و بر مبنای تعرفه فوق

محاسبه و تعیین می‌گردد. تشخیص متعدد بودن دعاوی با مرجع داوری خواهد بود.

۳- حق الزحمه داوری طبق تعرفه در زمان انتخاب داوران تعیین می‌شود.

۴- چنانچه در اثنای کار داوران، طرفین سازش نمایند، تعیین میزان حق الزحمه داوران با توجه به اقدامات انجام شده با مرجع داوری خواهد بود.

۵- حق الزحمه داوران باید در حساب؟؟؟ که از سوی مرجع داوری برای این امر اختصاص یافته تودیع و پس از انجام کار داوری طبق مقررات به آنها پرداخت شود.

۶- چنانچه امر داوری مستلزم عزیمت به خارج از محل مرجع داوری باشد هزینه سفر بر مبنای هر کیلومتر رفت و برگشت ۵۰۰ ریال و برای هر روز مقطوعه دویست هزار ریال تعیین می گردد. کسر کیلومتر و روز کامل حساب خواهد شد.

ب: مسئولیت تأمین هزینه‌ها

مسئولیت پرداخت هزینه‌های موضوع مواد قبل به عهده متقاضی هر مورد اعم از داوری، کارشناسی و سایر موارد خواهد بود. لذا درخواست کننده ابتدا می‌بایست هزینه‌های مذکور را بپردازد. ولیکن در نهایت بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۷ آئین‌نامه محکوم‌له داوری می‌تواند هزینه‌های پرداختی را از محکوم‌علیه مطالبه نماید.

ج: زمان پرداخت هزینه‌های داوری

به موجب بند ب ماده ۲۷ آئین‌نامه زمان پرداخت هزینه‌های داوری به ترتیب زیر خواهد بود:

۱- هزینه اداری همزمان با تسلیم درخواست داوری به مرجع داوری.

۲- حق الزحمه داوری پس از تعیین داور.

۳- حق الزحمه کارشناسی پس از تعیین کارشناس.

۴- هزینه مأموریت پس از تأیید مرجع داوری.

نکته‌ای که در بخش پرداخت هزینه‌های داوری باید در نظر گرفت این است که طرفین دعوا می‌توانند در خصوص میزان و نحوه پرداخت هزینه‌ها در قرارداد داوری یا توافقات بعدی آن ترتیب دیگری مقرر نمایند. (تبصره ۲ ماده ۲۷ آئین‌نامه داوری) منتهی نمی‌تواند هزینه‌های ذکر شده را حذف و یا بدون رضایت داو و یا مرجع داوری آنها را کمتر از میزان مشخص شده قرار دهند.

ومن الله توفیق

مریم امتی

مسئول حقوقی

منابع:

قانون این دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

قانون شرکتهای تعاونی ۱۳۵۹

قانون بخش تعاونی ۱۳۷۰ و اصلاحی ۱۳۷۷

این دادرسی مدنی دکتر شمس. جلد سوم

این نامه داوری در بخش تعاون